



شهربانو

شنبه
۴ مرداد ۱۴۰۰
۱۵ دی ماه ۱۴۴۲ شماره ۳۴۴۲

(۴)



عکس: مهدیه غفوریان / شهرآرا

گفت‌وگو با اعظم پارسا، برگزیده نهمین دوره کارآفرین برتر معاونت زنان ریاست جمهوری که به همراه دخترش سال‌هاست به کسب و کار بانوان کمک می‌کند

الگوی زندگی با مادر، کوک آن با دختر

روح و جسمش بیش از ۳۰ سال است با این هنر عجین شده است. دیگر چشم بسته هم می‌تواند خیاطی کند. از همان کودکی که می‌بیند مادر بزرگش طوری پارچه‌ها را به تن پوشی شیک تبدیل می‌کند که چشم از دیدن آن‌ها سیر نمی‌شود، تصمیم بزرگ زندگی‌اش را می‌گیرد. می‌فهمد هنر همان چیزی است که دنبال آن می‌گردد. به همین دلیل، از یازده سالگی شروع به خیاطی می‌کند. البته او بعد از آن هیچ وقت به آموزش سنتی‌ای که به صورت تجربی یاد گرفته بود اکتفا نکرد و برای به دست آوردن آموزش‌های جدید، کشور به کشور گشت. اعظم پارسا از کسانی است که پوشش ایرانی اسلامی را ترویج می‌کند و اکنون علاوه بر اینکه آموزشگاهی به راه انداخته است تا تجربه‌های هنری خود را به زنان دیگر منتقل کند، در سال جاری، کارآفرین برتر کشوری نیز شناخته شده است چون همه زنانی که هنرجوی او بوده‌اند، یا به صورت رسمی جواز دریافت کرده‌اند و مشغول کار هستند یا در حوزه مشاغل خانگی فعالیت می‌کنند.



سعیده آل ابراهیم

کارآفرینی در حوزه مد و لباس ریسک است

هنر خیاطی یکی از قدیم‌ترین هنرهای است که بشر با آن آشنا شده است. در آغاز، لباس تنها برای پوشش و حفاظتی از سرما و گرما بود، اما به مرور، اهمیت لباس در وضع ظاهری مان نقش خود را هویدا کرد و اینجا بود که هنر خیاط و مهارت کار دست‌برایمان بیشتر ثابت شد. همین موضوع موجب شد افراد بسیاری به سراغ این هنر بروند، اما تنها کسانی در آن موفق می‌شدند که خلاقیت را چاشنی کارشان می‌کردند. پارسا کارآفرینی در حوزه مد و لباس را کاری سخت و به نوعی ریسک می‌داند زیرا سلیقه‌ها متفاوت است. با توسعه جامعه، خواسته‌ها از این صنعت نیز فراتر می‌رود و کارآفرین‌ها در این حوزه باید طوری لباس‌ها را طراحی کنند که همه را از خودشان راضی نگه دارند.

مادر بزرگ پارسا در گذشته به صورت تجربی، بدون الگو و با امکانات کم لباس طراحی می‌کرد و می‌دوخت. او به جای بازی و شیطنت، ترجیح می‌داد کنار دست مادر بزرگ بنشیند و کار یاد بگیرد. آن سال‌ها، گذراندن رشته هنری در مراکز فنی و حرفه‌ای و کار و دانش چهره خوبی نداشت و خانواده‌ها فکر می‌کردند بچه‌ها برای موفقیت



پارچه‌ها دوخته می‌شود. سال‌هاست که اعظم پارسا و دخترش با هم در آموزشگاه خودشان مربی هستند. تدریس خیاطی با مادر است و سوزن‌دوزی و همه هنرهای زیرمجموعه آن را دخترش به هنرجویان آموزش می‌دهد. نکته جالب آموزشگاه آن‌ها هم همین است زیرا هرچه بیشتر پیش می‌رویم، خانواده‌های معدودی در یک شغل با هم مشغول به کار می‌شوند. دلیل آن هم اختلاف نظری است که بسیاری از اوقات، نسبت فامیلی و خونی را هم کم‌رنگ می‌کند، اما آن‌ها از همان ابتدا که کار را در خانه‌شان شروع می‌کنند تا امروز که در آموزشگاهی مستقل هستند، باز هم کنار هم مشغول به کارند و دلگرمی‌شان به حضور یکدیگر ملموس است. چرخ خیاطی‌ای که برای جهیزیه پارسا بود، حالا گوشه‌ای از این آموزشگاه قرار گرفته است و خاطرات سال‌ها دوخت و دوز را برایش زنده می‌کند. برای تولیدات نمایشگاهی حدود ۲۰ خانم سرپرست خانوار به صورت ثابت با این مجموعه کار می‌کنند. جدا از این، به گفته پارسا، حدود ۹۵ درصد از بانوان هنرجو، بعد از یادگیری به صورت مستقل کار می‌کنند و حتی کارآفرین می‌شوند. او و دخترش تاکنون کارگاه‌های آموزشی رایگانی

در کار و زندگی باید رشته‌های تجربی و ریاضی بخوانند. «من هم به تبع آن سال‌ها رشته ریاضی را انتخاب کردم. البته به مجهولات علاقه‌مند بودم، اما چندان نگذشت که تصمیم گرفتم رشته هنر و طراحی دوخت را ادامه بدهم و واحد‌هایم را تطبیق زدم. آن موقع دید مردم بسته بود و فکر می‌کردند زن باید خانه‌داری کند و حتی درس نخواند، اما با اینکه در سن دوازده سالگی ازدواج کردم، خوشبختانه همسر من حمایت می‌کرد و با وجود بارداری و بچه‌داری، درس را ترک نکردم.»

آموزشگاه مشترک مادر و دختر

او از زمانی که کرونا شایع شده است، کلاس‌ها را با تعداد نفرات کمتری برگزار می‌کند. اکنون حوالی ظهر است و هنوز هنرجویان سر کلاس‌های خود حاضرند. در همان ابتدای ورود به آموزشگاه، لباس عروسی و نامزدی به تن مانکن‌ها شده، مانتوهای دوخته‌شده روی رگال قرار گرفته است و یک میز مستطیل شکل پر از کارهای سوزن‌دوزی، منجوق‌بافت، نقاشی روی پارچه و... است. یک طرف آموزشگاه، چرخ‌های خیاطی سفید آماده دوخت پارچه‌های رنگی است و در طرف دیگر، منجوق و مادام‌های ریز در دست‌های زنان روی